



شماره ویژه

تحلیلی در مورد درگیری ایران و اسرائیل

اسرائیل در ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ از آسمان، کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق را بمباران کرد و ۱۶ نفر را به قتل رساند. جمهوری اسلامی در یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ برای انتقام جوئی، با موشک و پهباد به طور گسترده اهدافی را در اسرائیل مورد هدف قرار داد.

ابعاد تخریب و کشتار واقعی در هر دو حمله کاملاً روشن نیست. اخبار جانب دارانه بسیاری از هر دو طرف در سطح جهانی منتشر می‌شود.

ما در زیر به بررسی این وقایع میپردازیم ولی پیش از آن ضروریست به مطلب مهمی اشاره کنیم:

هنوز مدتی از تهاجم رژیم فاشیستی اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی و تهاجم رژیم فاشیستی ایران به اسرائیل نگذشته است که خرده بورژوازی کوتاه بین ایران دست در دست بورژوازی فریاد: "هر جنگی ارتجاعیست و هیچ جنگی عادلانه نیست" را در خارج از کشور و داخل ایران سر داده‌اند تا از انقلاب و جنگ عادلانه کارگران و زحمتکشان جهت سرنگونی سرمایه‌داری فاشیستی این کشور جلوگیری کنند.

آیا همه جنگ‌ها "ارتجاعی" و "ناعادلانه" هستند؟

تمام جنگ‌هایی که سرمایه‌داری علیه یکدیگر و علیه مردم برپا میکنند مطلقاً ارتجاعی هستند. جنگ بین اقشار بورژوازی در یک کشور نیز مطلقاً ارتجاعیست. درگیری‌های نظامی در درون دستجات رژیم حاکم همه ارتجاعی هستند.

آیا مبارزه مسلحانه طبقه و اقشار مترقی کشورمان جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری فاشیستی ایران ارتجاعیست؟ اگر چنین اعتقادی داشته باشیم، لزوماً باید اسلحه را زمین بگذاریم و مانع مبارزه مسلحانه علیه رژیم حاکم شویم. آنگاه همان اتفاق خواهد افتاد که در ۱۹۰۵ در روسیه اتفاق افتاد. جلوی قصر تزار. همان اتفاق خواهد افتاد که در جنبش ۲۰۰۸ حادث شد. سرکوب یک جنبش اصلاح طلب سازشکار. این نظر، خواهان گرفتن برخی آوانس‌های کوچک از رژیم با خواهش و التماس است. لذا بسیار اغواگرانه و ارتجاعیست.

جنگ مسلحانه توده‌ای علیه سرمایه‌داری، هر سرمایه‌داری‌ای، عادلانه و انقلابی است. این جنگ منطبق با درخواست تاریخ است تا نیروهای فاسد زوال یافته به طور نهائی از روی زمین برچیده شوند. این جنگ‌ها انقلابی هستند، چون با یک جراحی سریع چرک و عفونت را از بدن جامعه میزداید. ما طرفدار جنگ‌های انقلابی عادلانه و مخالف جنگ‌های ارتجاعی ناعادلانه هستیم.

حال به تحلیل مشخص واقعه میپردازیم:

۱- وضعیت اقتصادی:

برای درک روند واقعی اوضاع ناشی از تهاجم دو دولت فاشیستی اسرائیل و ایران علیه یکدیگر باید وضعیت عینی و توانائی واقعی کشورهای بزرگ و درگیر را بررسی کنیم.

کشورهائی که میتوانند در روند اوضاع آینده تأثیر بالائی بگذارند عبارتند از: اسرائیل، ایران، آمریکا، چین، روسیه و اروپا. امروزه هیچ یک از این کشورها به استثنای چین توانائی اقتصادی یک درگیری بزرگ جهانی را ندارند:

الف- اسرائیل کشور بسیار کوچکی است که بخشی از بودجه‌اش را اساساً با تولید محصولات کشاورزی و برخی محصولات صنعتی کوچک با تکنولوژی بالا میتواند تأمین کند. اقتصاد اسرائیل یک اقتصاد وابسته به آمریکا، انگلستان و اروپاست. سه نمونه از هزاران کمک مالی و تسلیحاتی غرب به اسرائیل:

از دهه ۱۹۴۰، اسرائیل بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در اشکال مختلف از آمریکا دریافت کرده است. (فرارو کد خبر ۶۷۷۹۵۲) آلمان هر ساله کمک‌های مالی کلانی به اسرائیل می‌کند و در هر بحرانی حامی سرسخت آن است. بعد از سال ۱۹۵۲ در یک نوبت آلمان مبلغی معادل سه میلیارد دلار (برابر با ۷.۶ میلیارد یوروی امروز) به دولت اسرائیل پرداخت کرده است (رویداد ۲۴).

مجوز صادرات سلاح از آلمان به اسرائیل در سال جاری تقریباً ۱۰ برابر شده (خبرگزاری آلمانی DBA)

در جنگ غزه ظرفیت اقتصادی اسرائیل و بخش اعظم زرادخانه این کشور (متشکل از سلاح‌های کشورهای امپریالیستی غربی) خالی گشته است. «تا ابتدای سال ۲۰۲۴ اسرائیل ۳۲ تا ۴۵ هزار تن بمب روی غزه ریخته است» (بی بی سی) لذا اسرائیل می‌تواند جواب ایران را با یک یا دو موشک و پهباد و تخریب این یا آن نقطه استراتژیک نظامی ایران بدهد ولی قادر به درگیری طولانی مدت بین‌المللی در خارومیانه نیست. عملاً اسرائیل یک ایالات جدیدالتأسیس خاورمیانه‌ای آمریکا، انگلستان و برخی کشورهای اروپایی مثل آلمان است.

ب- ایران کشور وسیعی است با جمعیت بالا، ثروت سرشار، رژیم فاشیستی ضد مردمی و یک اقتصاد دولایه. ثروت‌های موجود و بی انتهای این کشور در دو بخش سرریز میشود: ۱- در بودجه. این بخش آنچنان اندک است که کفاف بسیاری از مؤسسات ضروری جامعه مثل مؤسسات درمانی را نمیدهد. این مؤسسات به طور اسفباری به قهقرا میروند. در این بخش تا میتوانند از پول‌های بدون پشتوانه استفاده میکنند، لذا جامعه با تورم و بحران روز افزونی دست به گریبان است. ۲- در بخش مخفی. بخش اعظم و کارآمد ثروت‌های موجود کشور در این بخش انبار شده است. واقعیات و حجم این ثروت را نیز جز سه نفر در ایران کسی نمیتواند دقیق حدت بزند. بذر و بخشش‌های رژیم به سازمان‌های تروریستی از این ثروت مخفیست. لذا رژیم جمهوری اسلامی که با بحران مالی در جامعه روبروست، در عین حال میتواند به لحاظ اقتصادی در درگیریهای نظامی بین‌المللی مدت نسبتاً طولانی مقاومت کند. رژیم ایران یکی از منفورترین و منفردترین رژیم‌های جهان است و در خود کشور این افراد به حد نهائی خود رسیده است. این برای رژیم ایران خطر بالقوه و بسیار عظیمی است که او را از هر درگیری بین‌المللی تا آنجا که ممکن است برحذر میکند.

پ- آمریکا دارای اقتصاد ورشکسته‌ایست که از زمان جنگ اوکراین تا کنون با فروش صدها میلیارد دلار اسلحه توانسته است قدری به بودجه خود سر و سامان دهد. مخارج هنگفت جنگ در اوکراین، در غزه، در نگهداری بیش از هزار پایگاه در نقاط مختلف جهان، فرو ریزی این امپریالیسم قدر قدرت فرسوده و خونخوار را تسریع کرده است. ورود آمریکای فرسوده به یک درگیری نظامی بین‌المللی، تقابل با چین متهاجم امپریالیستی را به دنبال خواهد داشت. این برای آمریکا مساوی با نابودیست. در عین حال بحران‌های اقتصادی آمریکا توانائی او را در کمک به اوکراین و اسرائیل به شدت میکاهد. این را ما در تضادهای هیأت حاکمه آمریکا در این زمینه میتوانیم ردیابی کنیم. در ماه نوامبر ۲۰۲۳ «مجلس نمایندگان آمریکا لایحه کمک ۱۴ میلیارد دلاری به اسرائیل را تصویب کرد.» (ایران اینترنشنال) در حالی که حدود سه ماه بعد مجلس نمایندگان آمریکا پیشنهاد ارائه شده از سوی جمهوری خواهان را برای اعطای کمک مستقل ۱۷.۶ میلیارد دلاری به اسرائیل را رد کرد. (رادپو فردا - ۷ فوریه ۲۰۲۴)

«کاخ سفید روز دوشنبه هر گونه لایحه‌ای را که فقط حاوی کمک به اسرائیل باشد، رد کرد.» (DW) - چهارشنبه ۱۷ آوریل ۲۰۲۴

چنانچه ملاحظه میشود بحران اقتصادی در آمریکا جلوی کمک‌های بی رویه سابق به اسرائیل را گرفته است و بر این مینا تضادهای جناح‌های مختلف بورژوازی امپریالیستی حکم بر آمریکا را تشدید کرده است. بر این بنیان‌هاست که «رئیس جمهوری آمریکا به نتانیاهو گفته است که ایالات متحده آمریکا در هیچ‌گونه حمله متقابل اسرائیل علیه ایران شرکت نخواهد کرد.» (رادپو زمانه) جان کری مدیر ارتباطات شورای امنیت ملی آمریکا در دو شنبه اظهار داشت که «ایالات متحده "صحنه را" به اسرائیل واگذار خواهد کرد» (یونگه ولت)

در عین حال، بحران اقتصادی، جنبش صلح و ضد جنگ در آمریکا هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر میشود. و این خود مانعی بر سر شرکت آمریکا در درگیری با ایران است.

ت- چین تنها کشور امپریالیستی است که در این شرایط مشخص میتواند وارد یک جنگ طولانی مدت فرسایشی شود. بحران‌های روز افزون اقتصادی و سیاسی درون چین هنوز به آن شدتی نرسیده است که در این زمینه موانع جدی به وجود آورد. چین بزرگترین صادرکننده سرمایه به ایران است، بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار. وجود ایران بزرگ یکپارچه برای تسلط خاورمیانه‌ای چین دارای اهمیت بسیاریست. لذا چین یکی از پشتیبانان رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی ایران است. سرنوشتی این رژیم به معنای برباد رفتن ۷۰۰ میلیارد دلار و شکست استراتژیک سیاست خاورمیانه‌ای چین میباشد. لذا تهاجم جدی آمریکا و اسرائیل به ایران با مقاومت شدید دولت چین رو به رو خواهد شد. ولی این دولت مایل به درگیری نظامی در خاورمیانه نیست. زیرا تمرکز نظامی‌اش در تقابل با آمریکا در دریای چین و در مسأله تایوان است. به لحاظ اقتصادی، جنگ بزرگ اقتصادی‌اش با آمریکاست.

ث- روسیه تا کنون در جنگ با امپریالیست‌های غربی در اوکراین، برنده است. این جنگ در عین حال که بخشی از اقتصاد کشورهای غربی را بلعیده، بخشی از اقتصاد روسیه را نیز با مشکلات جدی رو به رو کرده است. روسیه برای ماندگاری، نفت خود را بسیار ارزان به چین میفروشد. مجبور است نیروهای درونی و مخالف دولت را به طور فاشیستی سرکوب کند. روسیه برای خلاص شدن از جنگ اوکراین همه طرح‌های صلحی را که قدری منافع روسیه را نیز تأمین میکند، پذیرفته است. در نتیجه روسیه امروز، هیچ علاقه‌ای به درگیری نظامی جدیدی در سطح بین‌المللی ندارد. ولی روسیه در ایران بیش از ۲۰۰

میلیارد دلار در شکل تأسیس و یا باز سازی مؤسسات تولیدی و غیر تولیدی سرمایه‌گزاری کرده است. ایران یکی از مهمترین کشورهای وارد کننده کالا از روسیه است. لذا این کشور یکی از پشتیبانان بی چون و چرای رژیم فاشیستی ایران است.

ج- اروپا یک پارچه نیست. همه کشورهای امپریالیستی اروپائی دارای بحران‌های شدید اقتصادی هستند و در تضاد با یکدیگر. [«نخست وزیر مجارستان رهبری اتحادیه اروپا را به ارعاب و باج‌گیری سیاسی متهم کرد.» (اسپوتنیک)] آنها به درجاتی حامی اسرائیل‌اند. در درگیری نظامی همه جانبه و طولانی مدت بین ایران و اسرائیل، این دولتها همه گونه به اسرائیل کمک خواهند کرد ولی به خاطر شرایط بحرانی اقتصادی‌شان و تبعات ورود به یک درگیری نظامی بین‌المللی، هیچ کدام به خاطر اسرائیل مستقیماً وارد هیچ جنگی نخواهند شد.

نتیجه این که: شرایط اقتصادی کشورهای نام برده، اجازه ورود به یک درگیری نظامی طولانی مدت را به آنها نمیدهد. امکان برخی موشک پرانی‌ها و یا حملات مقطعی پهبادی وجود دارد ولی جنگ اسرائیل - آمریکا از یک جانب و ایران از جنب دیگر، در شرایط مشخص امروزه غیر محتمل است.

امروز با هر درگیری کوچک و بزرگی، عده‌ای شروع جنگ سوم جهانی را فریاد میزنند. جنگ جهانی زمانی شروع میشود که چند قدرت بزرگ سرمایه‌داری امپریالیستی تقریباً هم زور وجود داشته باشد که یکی از آنها دچار بحران شدید اقتصادی شده و برای درآمدن از این بحران و کسب بازارهای نوین جنگ را شروع کند. ولی امروزه آن که در بحران شدید است آمریکاست که میدانند در مقابل چین امپریالیست رقیبی بازنده خواهد بود. لذا تا شرایط چنین است هیچ جنگ جهانی‌ای شروع نخواهد شد. همه جنگ‌ها نیابتی خواهند بود.

۲- اوضاع سیاسی جهانی:

مبارزه برای صلح:

به واسطه تحول شدیدی که از سالهای ۷۰ قرن گذشته در سازمان تولید بین‌المللی سرمایه‌داری آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد، علاوه بر تشدید دائم تضادهای بزرگترین کنسرن‌های بین‌المللی، تضادهای اکثریت مردم کارکن و زحمتکش جهان علیه نظام سرمایه‌داری نیز تشدید شده است. تقریباً همه جنبش‌های مترقی به هم جوش خورده، بهتر بگوییم در هم گردیده‌اند. این شرط در بین تمام شرایط سیاسی مشخص بین‌المللی، بزرگترین شرط تأثیر گذار در جلوگیری از جنگ و درگیری نظامی‌ست. شدت تأثیر گذاری مردم در جلوگیری از جنگ نیز به درجه آگاهی آنها، درجه گستردگی شرکت‌شان در مبارزه ضد جنگ و نوع سازمانیابی آنها بستگی دارد.

در جنگ دوم جهانی این فاکتور بسیار ضعیف‌تر از امروز بود، با این وجود در پایان دادن به آن جنگ تأثیر عمیقی داشت. در همان آغاز نسل کشی اسرائیل در غزه بسیاری از مردم جهان منجمه مردم اسرائیل علیه این دولت فاشیستی به خیابان آمدند، اعتراض و اعتصاب کردند که هنوز هم ادامه دارد. امروزه این عامل، ترمزیست که میتواند به درجات بالائی از درگیری بزرگ ایران و اسرائیل جلوگیری کند. امروزه مبارزه به خاطر صلح، مردمان مترقی همه کشورها را به هم پیوند داده است.

فاجعه تاریخی در غزه آگاهی مردم را از سیاست‌های سالوسانه دولت‌های غربی بالا برده است. بعد از حمله ایران به اسرائیل، سیاست دوگانه امپریالیست‌های غربی با شفافیت از دهان جناب ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، در می‌آید: «اسرائیل امروز در حال دفاع از خود است. منشأ این مسئله، حملات حماس علیه اسرائیل بود. ما از یک سو باید در کنار اسرائیل باشیم تا حداکثر امنیت آن را تضمین کنیم و از سوی دیگر ... پاسخ به ایران نباید تشدید تنش‌ها باشد، بلکه برای پیدا کردن راهی برای صلح در منطقه باید با منزوی کردن ایران، متقاعد کردن کشورهای منطقه که ایران یک خطر است و افزایش تحریم‌ها و فشار بر فعالیت هسته‌های این کشور، پاسخ داد.» (اسپوتنیک ایران)

آقای ماکرون از یک جانب نسل کشی اسرائیل را تأیید میکند و از جانب دیگر به روشنی میگوید مسئله سرنوشتی رژیم ایران نیست بلکه منزوی کردن آن است.

امروزه دیگر کسی برای این مواضع دوگانه و سالوسانه تره‌ای خرد نمیکند.

شکست‌های نظامی:

امپریالیست‌های غربی و ژاپن در دو منطقه دچار شکست مفتضحانه‌ای گشته‌اند که هنوز ادامه دارد: ۱- شکست غرب در اوکراین در مقابل امپریالیسم روس. ۲- شکست غرب در محو کامل ملت فلسطین، بی خطر کردن حماس و کنترل کامل بر منطقه. گیورا ایلند، مقام امنیتی سابق اسرائیل، میگوید: «فشار نظامی بر حماس موفقیت آمیز نبود زیرا یک ماشین جنگی موثر ساخته است.» (ایرنا)

یکی از اهداف سیاسی دولت اسرائیل در بمباران کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق، انحراف افکار عمومی از غزه به سمت درگیری اسرائیل - ایران، لاپوشانی شکست در غزه و ادامه جنایات تاریخ‌اش در نسل کشی فلسطینیان بود. موشک پرانی‌های رژیم فاشیستی ایران به اسرائیل نیز در خدمت نشان دادن قدر قدرتی و تحکیم سلطه خود بر مردم ایران و خارج شدن از حقراتی بود که در اثر حمله

اسرائیل به کنسولگری ایران ایجاد شده بود. بسیاری از رسانه‌ها و تبلیغاتچی‌های غرب با تمام نیرو سعی میکنند غزه را در پرده این حادثه بپوشانند ولی نسل کشی اسرائیل نه قابل فراموشی‌ست و نه در پرده میماند. حمله ایران به اسرائیل نیز غیر از دو روز اول، نتوانست مسأله غزه را به امری درجه دوم تبدیل کند.

سیاست چین و روسیه:

دولت چین از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که حماس به اسرائیل حمله کرد تا پیش از حمله ایران به اسرائیل، بشدت نگران نسل کشی فلسطینی‌ها توسط اسرائیل نبود. هرازگاهی عشوهای می‌آمد و خاموشی می‌گزید. اما با درگیری اخیر ایران و اسرائیل، خطر نابودی سرمایه‌های چینی در ایران و ایجاد موانعی در مقابل تأمین انرژی از خاورمیانه او را به حرکت واداشته است. در همان روز اول، سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «پکن درخصوص تشدید اوضاع در خاورمیانه عمیقاً نگران است و از طرف‌های درگیر می‌خواهد تا برای جلوگیری از تشدید تنش، خویشتنداری کنند. ... چین از جامعه بین الملل به ویژه از کشورهای ذی نفوذ می‌خواهد که نقش سازنده برای صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه ایفا کنند.» (مشرق نیوز) چین چشمانش را به روی نسل کشی فلسطینیان و جنایات خوفناک اسرائیل بسته بود. حال که منافع اقتصادی را «در خطر» می‌بیند، تمام قد وارد صحنه گشته و طرفدار صلح گردیده است. حتی دست به دامان عربستان سعودی نیز گشته است.

این موضع به مفهوم آن است که چین خواهان تحکیم دولت ایران و آرامش سابق در خاورمیانه است و زارات خارجه چین تأکید کرد که این دور از تنش‌ها یکی از پیامدهای جنگ در غزه است و خاموش کردن آتش این درگیری‌ها در «اولویت اصلی» است. البته برای چین تا پیش از این وقایع خاموش کردن آتش این درگیری‌ها در اولویت اصلی نبود.

موضع روسیه در قبال حمله ایران به اسرائیل، پشتیبانی از ایران است. در بیانیه روز یکشنبه وزارت خارجه روسیه چنین آمده است: بنا بر اعلام وزارت خارجه ایران، این حمله در چارچوب دفاع از خود و بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد در پاسخ به حملات به اهداف ایرانی در منطقه از جمله حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق صورت گرفته است، اقدامی که روسیه پیش‌تر آن را محکوم کرده بود. (تابناک)

اردوغان گفت: «تنها کسی که عمدتاً مسئول تنش است که در شب ۱۳ آوریل [شب حمله ایران به اسرائیل] قلب همه ما را در سینه حبس کرد، نتانیا هو و دولت خونریز او است.» به هر حال روسیه، هند و ترکیه نیز پشت ایران ایستاده‌اند.

در نتیجه، حمله اسرائیل و ایران به همدیگر، تضاد دو صف بندی بزرگ امپریالیستی - ارتجاعی را تشدید کرده است. امپریالیست‌های بزرگ شرق پشت ایران ایستاده‌اند و امپریالیست‌های بزرگ و فرتوت غرب پشت اسرائیل.

غربی‌ها باید مرتباً اسرائیل را به لحاظ مالی تقویت کنند. یعنی پول خرج کنند. لذا با عمیق‌تر شدن بحران‌های اقتصادی در غرب، پشتیبانی آنها از اسرائیل روز افزون کاسته می‌گردد. ولی امپریالیست‌های شرقی ایران را می‌چاپند لذا با عمیق‌تر شدن بحران‌های اقتصادی در آنها، پشتیبانی‌شان از ایران تشدید می‌شود. در عین حال دولت‌های اروپایی و آمریکا نیز خواهان سرنگونی رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران نیستند. از این منظر رژیم فاشیستی ایران نسبت به دولت فاشیستی اسرائیل در سطح بین‌المللی در موقعیت با ثبات‌تری‌ست.

در عین حال تا کنون غیر از جنگ مصر و اسرائیل، هیچ کشوری جرئت حمله به اسرائیل را نداشت. تهاجم ایران این سد را شکست. غرب تبلیغ میکند که کشورهای خاورمیانه با وحشت، از ایران فاصله می‌گیرند. این درست نیست. کشورهای منطقه اکنون ایران را در مقابل اسرائیل و آمریکا یک قدر قدرت می‌بینند. لذا خود را مجبور خواهند دید که با ایران کنار بیایند. به ویژه این که می‌بینند که روسیه و چین پشت ایران هستند ولی آمریکا به اسرائیل هشدار داده که در حمله به ایران با اسرائیل همگام نمیشود.

تبعات حمله رژیم جمهوری اسلامی به اسرائیل برای مردم ایران

درگیری خارجی هر دولت سرمایه‌داری، فقر و محرومیت بیشتر زحمتکشان را به همراه می‌آورد و به فشار و ارباب سیاسی بر اکثریت مطلق مردم آن کشور میانجامد. این یک قانونمندی‌ست که جنبه‌های عمل آن را ما در جنگ ایران و عراق و در جنگ روسیه و اوکراین می‌توانیم ردیابی کنیم.

در چنین مواردی نیروهای اپوزیسیون به خیانت به وطن، اخلاص در جنگ میهنی، جاسوسی برای دشمن و ... متهم می‌گردند، و زندانی، شکنجه و اعدام می‌شوند.

در جنگ ایران و عراق، ایران سعی می‌کرد نیروی اپوزیسیون را محو کند تا خیالش از پشت جبهه خود راحت شود. تمام سازمان‌های سیاسی تحت تعقیب شدید قرار گرفتند، ده‌ها هزار نفر دستگیر و زندانی شدند و بسیاری نیز اعدام گردیدند. بهانه این بود که ما در جنگ هستیم و هر اعتراضی باعث تضعیف نیروهای "انقلاب" می‌شود. بعد از خاتمه جنگ همه آن‌هایی که در طول جنگ گرفتار آمده بودند، اعدام شدند. بیش از ۲۰ هزار نفر.

اگر بین ایران و اسرائیل جنگ درگیرد، قانونمندی فوق عمل خواهد کرد.

- اگر ایران مورد ضربه و خطر شکست قرار گیرد، با هر گامی در شکست، انتقامش را از مردم می‌گیرد.

- اگر ایران رو به پیروزی داشته باشد، به عنوان یک قدرت پیروز به جایگاه محکم‌تری در منطقه دست می‌یابد، خود را قدر قدرت می‌بیند و از مردم باز هم بیشتر طلبکار می‌شود. این امر به قلدرمنشی و ناشی از آن تجاوز بی انتها به حقوق

زحمتکشان و اکثریت آحاد مردم میانجامد. به بیان دیگر فقر و گرسنگی، عدم امکانات درمانی، بیش از پیش چنگال‌های خونین خود را بر بدنه جامعه کار و زحمت فرو میبرد. فحشا، اعتیاد، بیکاری و جنایت گسترده‌تر می‌گردد. در مرکز این فشارها کودکان، زنان و مردمان زحمتکش ملل خارج از ایران که در ایران استثمار می‌شوند، قرار دارند. کار کودکان ابعاد مصیبت‌باری مییابد، فشار همه جانبه بر زندگی و روابط اجتماعی زنان به عنوان "ضعیف‌ترین حلقه" در جامعه تشدید می‌شود.

تضادها به سطحی آشتی ناپذیر می‌گردند که اگر مردم نتوانند رژیم را سرنگون کنند، مصائب اقتصادی روانی، اجتماعی نابود کننده‌ای آن‌ها را در خود خواهد فشرد.

لذا از اکنون باید برای مقابله با چنین اوضاعی تدارک دید. مرکز این تدارک در جنبش کمونیستی نهفته است. ما امیدواریم که باز هم آیه یأس خرده بورژوازی لانه کرده در جنبش کمونیستی "شرایط اش آماده نیست" برخی را به خواب خرگوشی فرو نبرد، بر اجرای اساسی‌ترین وظیفه خود یعنی برگزاری کنفرانس تدارک ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران، فعالیت عملی کنند و زحمتکشان را از پراکندگی تاریخی نجات دهند.

نظم کمونیستی
۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!

به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!

پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا

پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان